

دو فصلنامه تفسیر پژوهی
سال هفتم، شماره دوازدهم
پاییز و زمستان ۹۸
صفحات ۲۲۴-۱۹۷

اصطلاح‌شناسی و نسبت‌سنجی «بطن» و «تأویل» در حوزه تفسیر با تاکید بر آراء اندیشمندان اسلامی*

لیلا عابد**

محسن قمرزاده***

چکیده

در آثار ناظر به علوم قرآنی و تفسیر، همواره دو مسأله چالشی «بطن» و «تأویل»، با افت و خیز فراوان مطرح بوده‌اند. این دو مسئله گاه از حیث خطای در فهم و گاه بنابر ارتباط وثیق، در قالب یک مبحث ارائه شده‌اند و از این‌رو در قریب به اتفاق پژوهش‌های مربوطه، نسبت‌سنجی میان این دو مقوله مغفول مانده است؛ حال آنکه فهم این مطلب، دست‌کم از دو حیث حائز اهمیت است: اولاً، بخش قابل توجهی از معارف دینی، مربوط به باطن آیات و تأویلات قرآنی است و ثانیاً، جاودانگی قرآن، ارتباط وثیقی با این دو مقوله دارد. پژوهش پیش رو عهده‌دار تبیین ایده‌های اهل نظر در باب «بطن» و «تأویل» و نسبت‌سنجی میان آن دو است. این امر به روش تحلیل مفاهیم و اصطلاح‌شناسی واژگان مربوطه و تبیین قدر متیقن آراء اهل نظر انجام می‌پذیرد با توجه به آیات و روایات، تأویل هم به کل قرآن نسبت داده شده و هم برای شناخت حقیقت و مراد اصلی آیات متشابه به کار رفته و هم راهیاب به باطن و شناخت ژرفای قرآن می‌باشد که در نتیجه می‌توان گفت نسبت و رابطه منطقی بین «تأویل» و «بطن» عموم و خصوص مطلق است یعنی تأویل عام به شمار می‌آید و بطن خاص.

کلیدواژه‌ها: بطن، تأویل، حقایق پنهان آیات، آیات متشابه، نسبت بطن و تأویل

* تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۳۰

abedleila4@gmail.com

** دانشجوی دکتری موسسه آموزش علوم اسلامی کوثر

*** پژوهشگر و دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم تحقیقات تهران

ghamarzadehm@gmail.com

۱- بیان مسأله

واژه‌های «بطن» و «تأویل»، در ادبیات قرآنی از اهمّیت به سزایی برخوردارند و علاوه بر معانی لغوی، در حوزه‌های معرفت دینی، معانی اصطلاحی خاص یافته‌اند؛ از این رو «بطن» و «تأویل» از جمله اصطلاحات پرچالش در مباحث علوم قرآنی محسوب می‌شوند. مفسران و اندیشمندان علوم قرآنی در تبیین این مفاهیم به ویژه از حیث معانی اصطلاحی و رابطه آن دو با یکدیگر، اختلاف نظر فراوان دارند؛ در نتیجه شاهد رویکردهای متفاوتی در تبیین معانی واژگان مزبور می‌باشیم. با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها و این‌که خلط بین معانی لغوی و اصطلاحی، به کرات سبب اشتباه در فهم معارف قرآنی شده است، اهمّیت بررسی این دو واژه از حیث اصطلاح‌شناسی و تبیین رابطه آن دو اهمّیت شایانی دارد.

فهم معانی اصطلاحی «بطن» و «تأویل» در بهره‌گیری از حقایق و معارف کتاب الهی، نقش زیربنایی دارند. طبعاً اگر دیدگاه زیربنایی ما از استحکام لازم برخوردار نباشد، تمام مباحث روبنایی ما در تفسیر آیات، اعم از فهم اصول عقائد، استنباط احکام دینی، آموزه‌های اخلاقی و سایر مسائل مرتبط با کلام وحی متزلزل خواهند بود. همچنین جاودانگی قرآن، ارتباط وثیقی با معارف باطنی آن دارد و اساساً فهم بسیاری از آیات کتاب الهی، با عدول از معنای ظاهری و کشف معانی باطنی میسر می‌شود.

با این توصیف، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با تأمل در متون لغت و تفاسیر و تحلیل آراء برجسته مفسران فریقین درباره «بطن» و «تأویل»، به اصطلاح‌شناسی این واژگان پرداخته، تفاوت معنایی و رابطه منطقی بین آنها را تبیین نماید.

۲. سیر تطوّر و پیشینه مسئله تحقیق

اگرچه در هیچ آیه‌ای به وجود «بطن» برای قرآن تصریح نشده، ولی در احادیث معصومین (عهم)، به وجود «بطن»، اشارات فراوانی شده است. برای اولین بار پیامبر اکرم (ص)، این بُعد از قرآن را به روی مسلمانان گشود که روایات مربوطه با اختلافاتی در الفاظ، در مصادر فریقین گردآوری شده‌اند. در آموزه‌های اهل بیت (عهم) نیز، این نگاه تداوم یافت و از این رو احادیث متعددی مبتنی بر وجود بطن برای آیات قرآنی، در کتب حدیث امامیه مشاهده می‌شود. اساساً اهل بیت (عهم) در مقام عمل نیز، به تفسیر باطنی آیات، اهتمام شایانی داشته‌اند. مفاد تفاسیر روایی امامیه، همچون برهان، صافی و نور الثقلین شاهد روشنی بر این مدعا است.

اما واژه «تأویل» قریب هفده بار در قرآن کریم آمده است. در پی این اشارات قرآنی، پیامبر اکرم (ص) قدری از تأویلات قرآنی را برای مسلمانان تشریح نمودند، زیرا بنا بر نص قرآن و روایات، خداوند تأویل آیات را به پیامبر (ص) آموخته است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۰۹). پس از رحلت نبی اکرم (ص) نیز، اهل بیت (عهم) که وارث علم نبوی بودند، علم تأویل قرآن را نشر دادند. به عنوان نمونه، در یکی از خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع)، به ظاهر زیبا، باطن عمیق و پایان‌ناپذیری عجایب قرآن اشاره شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۸).

در آثار اهل سنت نیز، علاوه بر تصریح به وجود بطن قرآنی و تأویلات آیات - چنانکه پیش‌تر بیان شد تفاسیری در این راستا نگاشته شده است؛ از جمله:

- سهل بن عبدالله تستری تفسیر قرآن العظیم را به تمامه ناظر به بطن قرآن نوشته است؛

- عنوان حقائق التفسیر به قلم ابو عبدالرحمن سلمی، گویای رویکرد تأویل-

گرایانه او در این اثر است؛

- میبیدی در تفسیر کشف الاسرار و عدّه‌الابرار توجّه وافری به بطون و تأویلات آیات نموده است؛

- ابن تیمیمه در *الاکلیل فی المتشابه و التأویل*، دیدگاه خاصی درباره تأویل ارائه کرده است.

باری، این سیر همواره در کتب تفسیری فریقین و به ویژه خاصّه - چه با ابتدا بر احادیث و چه بر پایه نگرش‌های فلسفی و عرفانی - ادامه یافته است. در این گونه آثار بیشتر به تأویلات آیات و گاه به شروط تأویل صحیح پرداخته شده؛ اما بعضی از متأخران، به تحلیل مفهومی واژگان «بطن» و «تأویل» نیز توجّه نموده‌اند. نمونه‌های برجسته این گونه پژوهش‌ها عبارتند از:

- در مجلد سوم *المیزان*، بحث نسبتاً مفصّلی درباره تأویلات قرآنی طرح شده است. علامه طباطبایی در آنجا، ضمن بررسی معانی تأویل، ایده خاصی درباره بطون آیات قرآن و نسبت آن با تأویلات آیات بیان داشته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، صص ۶۴-۷۴).

- بخش معتناهی از کتاب *التمهید فی علوم القرآن*، به کاربرد واژه «تأویل» در قرآن اختصاص یافته است. استاد معرفت، ضمن تحلیل برخی نظرات پیشینیان، نظریه خاصی ارائه کرده است که علاوه بر نفی رویکرد ظاهرگرایانه ابن تیمیمه، با دیدگاه علامه طباطبایی نیز سازگار نیست (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۳، صص ۲۷-۵۰).

- کتاب *پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن*، نگاشته سید حیدر طباطبایی عهده‌دار تحلیل مفهومی «بطن» و دیدگاه‌های عالمان فریقین در این باب شده، ولی مؤلف در نهایت، درباره تفاوت بطن با تأویل و نسبت آن دو، ایده محصّلی ارائه نکرده است.

- روش‌های تأویل قرآن نگاشته محمدکاظم شاکر، به معنانشناسی و روش‌شناسی تأویل در سه حوزه‌روایی و باطنی و اصولی اختصاص دارد؛ ولی در این اثر نیز، رابطه بین تأویل با باطن به درستی منقح نشده است.

۳. معانی واژه «بطن»

در سخنان اهل لغت درباره معنای لغوی «بطن»، اختلاف چندانی مشاهده نمی‌شود و ایشان تقریباً درباره معنای این واژه اتفاق نظر دارند؛ از این رو به بیان نظرات دو تن از مشاهیر لغت‌شناس بسنده می‌شود.

یک. ابن‌منظور ذیل واژه «بطن» می‌گوید: «بطن» خلاف «ظهر» است و جمع آن، أَبْطُن و بطون و بطنان است. در واقع بطن هر چیز، عبارت از جوف و درون آن است؛ چنانکه در وصف قرآن عزیز گفته شده: برای هر آیه‌ای از آن ظهر و بطنی است، ظهر یعنی معنای ظاهر در بیان و مراد از بطن، معنای پنهان و نیازمند به تفسیر است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۲).

دو. راغب اصفهانی در توضیح واژه «بطن» می‌نویسد: «جمع آن بطون است، وَ قَدْ بَطَّنْتُه، یعنی به بطن و عمق آن رسیدم. بطن ضد ظهر است... و به هر موضوع پیچیده‌ای بطن و به هر موضوع آشکاری ظهر گفته می‌شود... به آنچه با حس درک می‌شود، ظاهر و به آنچه از حس پنهان است، باطن گفته می‌شود... مراد از علم باطن، گاهی اشاره به معارف ارزشمند و علوم غیبی است و گاهی اشاره به علوم دنیوی و اخروی است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۰).

۳-۱. معانی اصطلاحی واژه «بطن» در علوم قرآنی

با توجه به نظرات اهل لغت، واژه «بطن» به معنای داخل و درون یک شیء است و درباره هر امر مخفی و پنهان کاربرد دارد؛ لذا مراد از بطن آیات قرآن، طبعاً اشاره به

معانی و لایه‌های معرفتی پنهان و ناپیدای آنها است؛ اما در آثار اندیشمندان مسلمان تأملات بیشتری در این باره صورت گرفته و تعبیر مختلفی ناظر به بطن آیات قرآنی ارائه گردیده است. بعضی از این نظرات، به محتوای برخی آیات قرآن مبتنا دارد و پاره‌ای از ایده‌ها، با لحاظ برخی روایات وارده در باب باطن آیات تدارک شده‌اند، چه در احادیث معصومین (عهم)، تعبیرات متعددی در مورد باطن قرآن ملاحظه می‌شود.

اهمّ این معانی در اوراق پیش رو بیان می‌شوند.

• «بطن» معنایی فراتر از معنای ظاهری آیات

به باور شیخ مفید، معانی آیات قرآن بر دو قسم‌اند: ظاهری و باطنی. مراد از معنای ظاهری، آن است که مجموع الفاظ یک عبارت، با رعایت قواعد و آداب زبان عربی، دقیقاً مفید آن معنا و قابل انطباق بر آن باشد. در مقابل، منظور از معنای باطنی، معنایی است که الفاظ یک عبارت به ظاهر، تاب آن معنا را ندارد و بر آن منطبق نیست؛ بلکه آن معنا، گسترش یافته معنای ظاهری و نهفته در آن است؛ لذا مفسّر برای استنباط آن معنا از آیه، به شواهد و دلایلی افزون بر ظاهر الفاظ نیاز دارد (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹).

در همین راستا در *محاضرات فی اصول الفقه می‌خوانیم*: «مراد از بطون قرآن، لوازم معنایی است که لفظ در آن به کار رفته است و ملزومات آن و معانی ملازم با آن، بدون اینکه لفظ در این لوازم استعمال شده باشد» (قیاض، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

این معنای اصطلاحی از «بطن»، هم به معنای لغوی آن نزدیک است و هم با سایر معنای اصطلاحی بطن که در ادامه بیان خواهند شد، به نوعی قابل جمع است.

• «بطن» به مثابه معنای طولی و نهفته در آیات یا فهم عمیق

چنانکه بیان شد، در تعریف اول، بطن قرآن از لوازم معنایی آیات محسوب می‌شد، اما علامه طباطبایی باطن قرآن را از نوع مدلول مطابقی آیات می‌داند و

اصطلاح‌شناسی و نسبت‌سنجی «بطن» و «تأویل» در حوزه تفسیر با تأکید بر آراء ... ۲۰۳

معنای بطن را به نحو طولی و مطابقی تبیین می‌کند. به باور علامه، آیات قرآن از حیث معنا، حائز مراتب مختلفی می‌باشند، مراتب طولی که مترتب بر یکدیگر است نه در عرض یکدیگر تا مستلزم کاربرد یک لفظ، در بیش از یک معنا و ایراداتی از این قسم معنا شود؛ بلکه همه آن معانی، دلالت مطابقی دارند، الا اینکه هر معنایی، ناظر به افق و مرتبه‌ای خاص از فهم و درک مخاطبان است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۶۴).

علامه در فرازی دیگر، دیدگاه مذکور را با احادیثی نظیر «انّ للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً الی سبعة أبطن» تأیید می‌نماید. بر این اساس، قرآن مجید معنای ظاهری و معانی باطنی دارد که هر دو قسم در کلام الهی اراده شده‌اند، جز این که این دو معنی در طول هم قرار دارند نه در عرض یکدیگر؛ نه اراده ظاهر لفظ، اراده باطن را نفی می‌کند و نه اراده باطن، مزاحم اراده ظاهر است. به دیگر بیان، «ظاهر» همان معنای ظاهری ابتدایی است که از الفاظ آیه به دست می‌آید، ولی «بطن» معنای نهفته در زیر است، چه آن معنا یکی باشد یا بیشتر، نزدیک به معنای ظاهری باشد یا دور از آن و بین آنها واسطه باشد (همان، صص ۷۱-۷۴).

در پاره‌ای از روایات ناظر به ظاهر و بطن نیز، بطن قرآن به «فهم عمیق» معنا شده است. از جمله، امیر کلام در حدیثی می‌فرماید: «آیه‌ای نیست مگر اینکه برای آن چهار معنا متصور است: ظاهری، باطنی، حد و مطلع؛ اما «ظاهر» همان تلاوت قرآن است و «باطن» فهم آیات است، «حد» عبارت از احکام حلال و حرام و «مطلع» آن چیزی است که خداوند در آن آیه، از بنده‌اش طلب نموده» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۸). علامه طباطبایی در توضیح این حدیث و مقایسه دو مورد اول می‌نویسد: مراد از «تلاوت» در این حدیث، مدلول ظاهری لفظ است، زیرا امام (ع)،

تلاوت را یکی از چهار معنای آیه شمرده است؛ بنابراین مقصود از فهم در تفسیر باطن، تحصیل معنای پنهان در معنای ظاهری است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۷۳).

شایان ذکر است که همین نگاه در آثار فقیه بزرگ معاصر، سیدحسین بروجردی نیز مشاهده می‌شود. او در مقام بیان بطون قرآنی، اولین معنای محتمل را چنین بیان کرده است: معنای الفاظ قرآن دارای مراتبی است که متناسب با مراتب عقل و درک مخاطبان ظاهر می‌شود؛ مانند لفظ «خورشید» که یک شخص معمولی فقط جسم مرئی آن را در آسمان درک می‌کند، ولی عقول جوّال قادرند جهت نورانی آن را بدون لحاظ جسم، در نظر آورند. البته این امر نیز، به حسب تفاضل سطح ادراک افراد، متفاوت است (بروجردی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۱۰).

• بطن آیات، مراد الهی از خطابات

برخی اهل نظر، ظاهر قرآن را همان مفهوم حاصل از الفاظ ظاهری تحت قواعد عربی می‌دانند، ولی باطن کلام الهی را، مراد خداوند از آن کلام و خطاب می‌انگارند (شاطبی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۴۴).

دکتر ذهبی نیز با بیان فرق بین مدلول ظاهری الفاظ و مراد الهی، می‌نویسد: «ظاهر قرآن - که به زبان عربی مبین نازل شده است - مفاهیم عربی صرف است و باطن قرآن، همان مراد الهی و غرضی است که در پس الفاظ و ترکیب‌های قرآنی مورد نظر بوده است» (ذهبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۵۷)

به مقتضای این تعریف، مفسّر با فهم مراد الهی از انزال آن آیه، به بطن آن دست پیدا می‌کند و از این رو معنای باطنی، غیر از معنا و مدلول ظاهری است. گرچه تشخیص و وصول به مراد خداوند در هر خطاب، چندان آسان به نظر نمی‌رسد؛ اما در عین حال، عمق حقایق و معارف قرآنی را نمی‌توان به مراد الهی از آیات محدود ساخت.

• «بطن» در معنای مصادیق آیات

در برخی روایات اهل بیت (عهم)، بطن قرآن بر مفهوم عام و قابل انطباق آن بر مصادیق و موقعیت‌های جدید، اطلاق شده است. از جمله، حمران بن اعین می‌گوید: از امام باقر (ع) درباره‌ی ظهر و بطن قرآن سؤال کردم؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «ظهر» اشاره به افرادی است که آیه در مورد آنان نازل شده و «بطن» ناظر به اشخاصی (در آینده) است که همان اعمال آنان (افراد مورد نزول) را انجام می‌دهند. آنچه درباره‌ی آنان نازل شد، در مورد اینان نیز جاری است» (صدوق، ۱۳۱۶، ج ۱، ص ۲۵۹).

شیخ طوسی نیز به نقل از ابو عبیده می‌نویسد: «مقصود از ظاهر قرآن، داستان‌های ناظر به هلاکت پیشینیان است و مقصود از باطن، پندهای آنان برای دیگران است» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹).

استاد سبحانی در توضیح این معنا می‌گوید: مقصود از بطن قرآن، عدم انحصار داستان اقوام و امم پیشین و نعمت‌ها و نعمت‌های نازل بر آنان، به خودشان است و اینکه شامل نسل‌های بعد از آنان نیز می‌شود. همچنین مراد از «بطن»، راه یافتن به مصادیق مخفی است که رسیدن به آنها محتاج به تدبّر و فکر یا نصی از ناحیه‌ی امام معصوم است (سبحانی، بی‌تا، صص ۲۰۵-۲۰۶).

ناگفته نماند که دیدگاه مزبور، موافق روایاتی است که به مسئله جری و تطبیق اشاره دارند. البته موارد جری و تطبیق در روایات، اعم از مصادیق ظاهری و باطنی آیات است، یعنی هم به مصادیق ظاهری و هم به مصادیق باطنی مرتبط با معنای ظاهری، اطلاق گردیده است؛ پس جری و تطبیق، عام است و بطن، خاص.

• «بطن» در معنای تأویل

از مشهورترین تعابیر روایی درباره‌ی «بطن»، معادل دانستن آن با «تأویل» است. به عنوان نمونه در حدیثی به نقل از فضیل بن یسار چنین آمده: «از امام باقر (ع)

درباره این روایت که «هیچ آیه‌ای در قرآن نیست مگر اینکه ظهر و بطنی دارد» پرسش کردم. حضرت در پاسخ فرمودند: «ظهر» قرآن، تنزیل آن و «بطن» قرآن، تأویل آن محسوب می‌شود. بعضی از آیات درباره امور گذشته است و برخی امور هنوز پدید نیامده؛ این حقایق همچون جریان خورشید و ماه در بسترشان جریان پیدا می‌کنند، آن زمانی که تأویل چیزی از آن فرا رسد، بر زندگان جریان پیدا خواهد کرد، چنانکه بر مردگان جاری بود. خداوند متعال می‌فرماید: «تأویل آن را نمی‌داند مگر خدا و راسخان در علم»، ماییم که تأویل آن را می‌دانیم» (عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱).

همچنین شیخ طوسی در تفسیر خویش، در ضمن بیان چند وجه برای باطن قرآن کریم، به نقل از طبری و بلخی می‌گوید: معنای سوم آنکه، ظاهر آیه لفظ آن است و باطن آن، تأویل محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹). در تفسیر درّ المنثور نیز، از ابن عباس چنین روایت شده است: «همانا قرآن دارای شاخه‌ها و انواع و احوالی است و ظاهرها و باطن‌هایی دارد... پس ظهر آن، تنزیلش و باطن آن، تأویلش می‌باشد» (سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۱۰).

محمدهادی معرفت نیز، بطن قرآن را یکی از دو معنای تأویل شمرده است. او «بطن» را مفهوم گسترده و دامنه‌داری می‌داند که در پس پرده «ظهر» نهفته است. استاد معرفت در این باره می‌نویسد: «اصطلاح دیگری برای تأویل قرار داده شده و آن، معنای ثانویه‌ای است که آیه به خودی خود در آن ظهوری ندارد، بلکه با دلیل خارجی می‌توان بدان پی برد و به همین دلیل از آن به «بطن» یاد می‌شود، همان‌گونه که از تفسیر اولی و ظاهری آیه، به «ظهر» تعبیر می‌گردد» (معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۸).

• «بطن» به مثابه اسرار قرآن

از جمله معانی «بطن» در احادیث، تفسیر «بطن» به حقایق نهانی قرآن است. بر اساس روایتی، کتاب الهی مشتمل بر «عبارات»، «اشارات»، «لطائف» و «حقایق»

اصطلاح‌شناسی و نسبت‌سنجی «بطن» و «تأویل» در حوزه تفسیر با تأکید بر آراء ... ۲۰۷

است. طبعاً هر یک از این اقسام، مخاطب خاصی دارد؛ لذا در ادامه حدیث می‌خوانیم: «عبارات» برای مردم عامی (صرفاً آشنا با زبان عربی) است و «اشارات» برای خواص (عالمان دینی)، «لطائف» به اولیای الهی اختصاص دارد و «حقایق» قرآن، مخصوص انبیاء است (مجلسی، ۱۴۳۰ق، ج ۸۹، ص ۲۰).

عبدالرحمن سیوطی در این باره می‌گوید: ظاهر قرآن، معنایی قابل دسترس برای عموم عالمان دینی است، اما باطن قرآن، اسرار نهانی است که خدای متعال، صرفاً ارباب حقایق را بدان‌ها آگاه می‌کند (سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۲۳۶).

مؤلف التفسیر و المفسرون نیز، در ضمن نقل نظرات مطرح در باب ظهر و بطن قرآن، یکی از معانی «بطن» را اسراری می‌داند که حتی اهل فن، قادر به فهم آن معانی از ظاهر آیات نیستند، بلکه اهل حقیقت به عنایت الهی، بر آن معانی واقف می‌شوند (ذهبی، همان، ص ۳۵۴).

چنین تعریفی از «بطن»، گرچه به استناد روایات صورت گرفته است، ولی ماهیت بطن را روشن نمی‌کند؛ بلکه صرفاً بیانگر این مدعا است که فهم اسرار و رموز آیات، بر اساس مشیت خاصه الهی و القای خداوند متعال، نصیب عده‌ای خاص می‌شود.

جمع‌بندی: با توجه به مطالب بیان شده به نظر می‌رسد که باطن قرآن، معانی و مصادیق پنهان آیات است که فراتر از مدلول ظاهری و لفظی آیات و در طول آن می‌باشد. این تعریف هم به معنای لغوی بطن نزدیک‌تر است و هم تمام لوازم و ملزومات الفاظ را در بر می‌گیرد و البته به نوعی با بیشتر دیدگاه‌ها قابل جمع است. چرا که براساس این تعریف، بخشی از معانی باطنی قرآن با فهم و تدبر بدست آمده و بخشی دیگر به قدری عمیق و ژرف بوده که فهم آنها مختص به ائمه علیهم‌السلام می‌باشد.

۴. معانی واژه «تأویل»

واژه «تأویل» مصدر باب تفعیل از ثلاثی مزید و از ماده «أول» است. در کتب لغت «أول» و «تأویل» این گونه تعریف شده‌اند:

- لسان العرب: أول به معنای رجوع است و أول الکلام و تأوَّله یعنی در کلام تدبر و ارزش گذاری کرد و أوَّله و تأوَّله یعنی کلام را تفسیر کرد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، صص ۳۲-۳۳).

- تهذیب اللغة: تأویل مرجع و مصبر است، از «آل یؤول» گرفته شده است، یعنی به سوی آن مقصد حرکت کرد و أولته یعنی آن چیز را به سوی آن هدایت کردم (ازهری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۵، ص ۳۳۰).

بر این اساس «تأویل» از «أول» و به معنای ارجاع و برگرداندن گرفته شده است؛ گویا تأویل کننده، کلام را به معانی و مفاهیمی ارجاع می‌دهد که به نظر او محتمل می‌رسد؛ از این رو ابن‌أثیر بعد از ذکر معنای رجوع برای «أول» می‌نویسد: مراد از تأویل، برگرداندن ظاهر لفظ از معنای اصلی است به معنایی که دلیلی بر آن قائم است که اگر آن دلیل نباشد، التزام به همان معنای ظاهری حتمی می‌شود (ابن‌أثیر، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۸۰).

همچنین استاد مصطفوی در *التحقیق فی الکلمات القرآن*، پس از نقل آرای گوناگون اهل لغت می‌نویسد: «نتیجه تحقیق این است که معنای اصلی این ماده «رجوع» است، این رجوع یا به اعتبار آغاز است یا به اعتبار پایان یا به اعتباری غیر از این موارد. همین معناست که در جمیع مشتقات آن: الأول، الأولى، الاولین، التأویل، در قرآن مقصود است» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۶۱).

۴-۱. اصطلاح‌شناسی «تأویل»

از بررسی کتب تفسیر و علوم قرآنی می‌توان دریافت که واژه «تأویل» در آثار اهل نظر، معانی اصطلاحی و دلالت‌های متعددی یافته است. با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده در خصوص معنای تأویل، می‌توان گفت که به علت در دسترس نبودن تعریف مشخصی از تأویل، از سوی شارح مقدس، اختلاف نظر فراوانی میان محققان و اندیشمندان پدید آمده است. بعضی از این اقوال، بر عملکرد پیشینیان در مقام تفسیر آیات ابتننا دارد و برخی دیگر، متخذ از نصوص دینی است که در ادامه بیان می‌شوند.

• «تأویل» در معنای تفسیر

نزد برخی قدمای مفسران و لغت‌شناسان، «تفسیر» و «تأویل» به لحاظ منطقی، رابطه «تساوی» داشتند. از جمله، خلیل فراهیدی در این باره می‌نویسد: «تأویل و تأویل یعنی تفسیر کلامی که معانی متفاوتی دارد» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۶۹). در تفسیر طبری نیز به کرات، «تأویل» به معنای «تفسیر» به کار رفته است. او در ابتدای تفسیر هر آیه می‌گوید: «القول فی تأویل قوله تعالی». به تحقیق او، معنای تأویل در کلام عرب، همان تفسیر و مرجع و بازگشت است (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۵، صص ۱۱-۱۷).

• «تأویل» به معنای توجیه متشابه

به باور برخی اهل نظر، هر گاه در فهم متنی، دو معنا محتمل باشد، پای تأویل به میان می‌آید؛ بدین ترتیب که یکی از دو معنای محتمل را به لحاظ مطابقت با ظاهر آیه برمی‌گزینیم و دیگری را رها می‌کنیم. در واقع، تأویل همان تبیین معنای متشابه است و متشابه آن است که مفهوم آن، با قطع و بدون تردید، قابل استنباط نیست (زبیدی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۴۹).

برخی اساتید معاصر نیز، این معنا از «تأویل» را مورد توجه قرار داده‌اند. به باور ایشان، یکی از دو معنای «تأویل» نزد مفسران، مخصوص باب متشابهات است و آن به معنای توجیه آیه متشابه به گونه‌ای است که عقل و شرع بر آن گواهی دهند (معرفت، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۰).

• «تأویل» به معنای عبور از معنای ظاهری به معنای پنهان

گاهی یک آیه در معنایی خاص، ابتدائاً ظهور دارد؛ ولی می‌توان مفاد آیه را به قرینه عقلی یا نقلی، به معنای غیر ظاهری ارجاع داد که بدان «تأویل» آیه گویند. با توجه به این دیدگاه، معنای تأویل عبارت است از: عدول از معنای ظاهری لفظ به معنای پنهان و غیرظاهری با لحاظ قرینه عقلی یا نقلی؛ چنانکه در التحریفات می‌خوانیم: تأویل برگرداندن لفظ از معنای ظاهری به معنایی محتمل است، در صورتی که معنای احتمالی با کتاب و سنت سازگار باشد (جرجانی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۰).

از ابوطالب ثعلبی نقل شده است که: «تفسیر یعنی بیان وضعیت لفظ خواه حقیقی باشد یا مجازی در حالی که تأویل، تفسیر باطن لفظ است، از اول به معنای رجوع به عاقبت امر گرفته شده است. بنابراین تأویل، اخبار از حقیقت مراد است و تفسیر، اخبار از دلیل مراد است» (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۶۷).

این دیدگاه درباره معنای تأویل، ریشه در معنای لغوی آن یعنی رجوع و برگرداندن دارد.

• «تأویل» در معنای تعیین مصداق (جری و تطبیق)

پیش‌تر در مقام بیان معنای پنجم «بطن قرآن» از احادیثی یاد شد که در آن «بطن»، به مصداق نو برای آیات تفسیر شده بود. به مقتضای آن احادیث، ظاهر

قرآن، تنزیل آن و باطنش، تأویل آن است. از تأویل آن قسمتی قبلاً واقع شده و موارد بسیاری هنوز محقق نشده است. قرآن همچون خورشید و ماه در جریان است و هر زمان تأویل چیزی از آن، بر مصادیق نوین واقع خواهد شد. بر این اساس، یکی از اقسام تأویل نزد عالمان شیعه، جریان و گذراندن خطاب آیه از موارد تنزیلی به موارد مشابه و تطبیق حکم آیات بر آیندگان است. در مقام تنزیل، افرادی که آیات الهی درباره آنان نازل شده، با معانی ظاهری قرآن قابل تطبیق اند و از اقوام و گروهی که به دلیل دارا بودن صفات مشابه و هماهنگی رفتار با مصادیق وقت نزول، آیات بر آنان انطباق می‌یابد، تحت عنوان باطن قرآن یاد می‌شود؛ بدین ترتیب، «تأویل» عبارت از سیر ارتباطی است که تأویل‌گر میان ظاهر آیه و باطن آن برقرار کرده و معنای آیه را از توجه به ظاهر، به تطبیق بر مصادیق نوین رهنمون می‌شود (بهجت‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰).

اما در نظر گروه‌هایی از اهل سنت، تأویل‌های بطنی و بیان مصادیق، موافق با ظاهر الفاظ قرآن نیست؛ لذا تأویل، امری ذوقی و سلیقه‌ای است و به روش‌های مقبول ابتدا ندارد (همان، ص ۱۲۵).

• «تأویل» به معنای مصادیق عینی محسوس

این تیمیه در رساله «الاکلیل فی المتشابه و التأویل»، وجود خارجی کلام را، «تأویل» و آن را مقصود قرآن دانسته است. او معتقد است: اگر کلام جمله انشایی باشد، تأویل آن، خود عمل مطلوب است. اگر کلام جمله خبری باشد تأویل آن همان چیزی است که از آن خبر داده شده است: اعم از اینکه در گذشته اتفاق افتاده باشد یا در آینده تحقق یابد. به دیگر بیان، هر چیز چهار وجود «خارجی»، «ذهنی»، «لفظی» و «کتبی» دارد. وجود خارجی اشیاء، همان تأویل آنهاست. به عنوان مثال،

شناخت پیامبر (ص) و اخبار از صفات او (وجود ذهنی)، تفسیر اوست و وجود خارجی رسول خدا (ص) که مبعوث به رسالت شد، تأویل اوست (ابن تیمیه، بی تا، صص ۱۸-۱۰).

ظاهراً دلیلی بر درستی کاربرد این معنا از تأویل، اقامه نشده است مگر آنکه بگوییم برخی تأویلات قرآنی (وقوع پدیده یا حادثه‌ای) با این نگاه سازگار است؛ در این صورت نیز دلیلی وجود ندارد که این معنای تأویل در مورد همه آیات قرآن، صادق باشد.

• «تأویل» به معنای حقایق عینی معقول

علامه طباطبایی درباره ماهیت «تأویل» بر آن است که حقیقت تأویل، امری عینی است و اساساً از سنخ الفاظ و معانی نیست. او می‌گوید: ماهیت «تأویل»، حقیقت عینی است که مستند بیانات قرآنی (اعم از تشریح، موعظه و حکمت) است و آن برای جمیع آیات قرآن، معتبر است. اساساً «تأویل» از قبیل مفاهیم مدلول الفاظ نیست و بالاتر از آن است که الفاظ به آن برسند؛ بلکه در پس این آیات که ما قرائت می‌کنیم و آنها را مورد تعقل قرار می‌دهیم، چیزی است که به منزله روح قرآن و قرآن به منزله جسم آن است، همان که از آن به «کتاب حکیم» تعبیر شده و نزد پروردگار و لوح محفوظ قرار دارد و کسی غیر از مطهرون، قادر به لمس و ادراک آن نیست (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، صص ۵۳-۵۴).

به باور علامه، اساساً تأویل از سنخ مفاهیم و مدلولات الفاظ نیست، بلکه از امور عینی و خارجی است که والاتر از گنجایش در حیطه واژگان است. در این نگاه، رابطه حقیقت قرآنی با الفاظ قرآنی از نوع مثل با مثل است، یعنی خداوند

حقیقت قرآن را که موطن آن، ام‌الکتاب و لوح محفوظ است، از باب تقریب به اذهان و ادراک آدمیان، در قالب الفاظ نازل فرموده است. او برای اثبات این دیدگاه، به آیاتی نظیر «و لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» (اسراء: ۸۹) و «تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت: ۴۳) استناد می‌کند و می‌گوید: قرآن مجید امثال بسیار ذکر می‌کند، ولی آنچه در مضمون این آیات بیان شده، به طور مطلق در باب همه آیات جاری است؛ لذا همه بیانات قرآنی نسبت به معارف عالیه که مقاصد حقیقی قرآن‌اند، امثال محسوب می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۴۲).

لازم به یاد است که برپایه معانی پنجم و ششم «تأویل»، دیگر نمی‌توان تأویل را به آیات متشابه اختصاص داد؛ بلکه همه آیات قرآن، تأویل دارند؛ البته بر مبنای ابن تیمیمه، مصادیق آیات در همین امور محسوس یافت می‌شوند، ولی در دیدگاه صاحب‌المیزان، مصادیق آیات الهی، مشتمل بر حقایقی از جنس معقولات می‌باشند. (تفاوت مهم دیگری نیز بین این دو مبنا به لحاظ نسبت «تأویل» با «بطون» آیات وجود دارد که به زودی بیان خواهد شد).

به نظر می‌رسد ویژگی مشترک همه معانی اصطلاحی تأویل، وجود نحوه‌ای از خفا و پوشیدگی در ورای ظاهر الفاظ است که کشف و فهم آن فقط با استفاده از قواعد ادبی و اصول عقلایی میسر نیست ولی میان آن وجه پنهان و این صورت آشکار، یکی از چهار نوع رابطه حکایت، دلالت، انطباق و ترتب وجود دارد ولی این رابطه بر همگان آشکار نیست (بابایی، ۱۳۷۹، ص ۳۱).

جمع‌بندی: از مجموع آرای مطرح شده در آثار لغوی و تفسیری و علوم قرآنی دانسته می‌شود که تأویل همان رجوع از معنای ظاهری لفظ و روی آوردن به معانی

یا مصادیق پنهانی و فراطاهری آیات با توجه به قرینهٔ نقلی یا عقلی یا هردو، که مراد و مقصود خداوند از آیات است و در مراتب برتر و بالاتر می‌تواند حقایق متعالی محفوظ در ام‌الکتاب باشد. این تعریف به معنای لغوی تأویل نزدیک است. این تعریف، با توجه به معنای لغوی و ریشه‌ای تأویل (أول) است اما می‌توان گفت که امروزه از معنای اصلی خود (رجوع) منسوخ شده و در معنای توجیه آیات متشابه و فهم معانی درونی و حقایق و مصادیق پنهانی آیات، به ذهن متبادر می‌شود. به نظر می‌رسد این واقعیت که قرآن آکنده از حقایق طولی است و هر کس درخور استعداد و کوشش خود به فهم وجوه گوناگون معنایی آن نایل می‌شود، از اسباب این تحول معنایی بوده است و مؤلفان و محققان برای اشاره به لایه‌های معنایی یا فرآیند دستیابی به آن معانی و مصادیق درونی، مناسب‌ترین واژه را «تأویل» یافته‌اند.

۵. نسبت‌سنجی میان بطن و تأویل

با توجه به معانی مختلف «بطن» و «تأویل»، طبعاً اختلاف بین علما و دانشمندان دربارهٔ نسبت آن دو با یکدیگر، امری ناگزیر است؛ چه نسبت‌سنجی و بیان رابطهٔ منطقی بین بطن و تأویل، بستگی به تلقی پیشین اینان از آن دو مفهوم دارد. در این باره سه دیدگاه متفاوت ارائه شده است.

۵-۱. تساوی

اکثر اهل نظر در باب تفسیر و علوم قرآنی، «بطن» قرآن را مساوی و مرادف با تأویل می‌دانند. همسان‌نگری معنای باطن و تأویل، کهن‌ترین دیدگاهی است که در مورد بطن و تأویل ارائه شده است. این نگرش ریشه در روایات فریقین دارد که در

اصطلاح‌شناسی و نسبت‌سنجی «بطن» و «تأویل» در حوزه تفسیر با تاکید بر آراء ... ۲۱۵

مقام تبیین معانی اصطلاحی «بطن»، به بعضی از آن احادیث اشاره شد. محدث مجلسی نیز در ذیل روایتی از امیرالمؤمنین (ع) که می‌فرماید: «پیامبر اکرم (ص)، تأویل تمام آیات و تفسیر آن را به من آموخت»؛ می‌نویسد: «قوله (ع): تأویلها و تفسیرهای بطنها و ظهرها» (مجلسی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۳۳).

در میان اهل سنت، ابن‌عربی در مقدمه تفسیرش، پس از ذکر این روایت از پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «ما نزل من القرآن آیه إلا و لها ظهر و بطن و لكل حرف حد و لكل حد مطلع» می‌گوید: «از این روایت فهمیدم که ظهر همان تفسیر است و بطن همان تأویل می‌باشد» (ابن‌عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶).

در تفسیر الدر المنثور نیز، از ابن‌عباس چنین روایت شده است: «ان القرآن ذو شجون و فنون و ظهور و بطن... فظهره التزیل و بطنه التأویل» (سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۲، ص ۱۰). او همچنین در الاتقان فی علوم القرآن، ذیل معنای سوم «بطن» می‌نویسد: «ظاهرها لفظها و باطنها تأویلها» (همو، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۲).

لازم به ذکر است که برخی متفکران شیعی، گرچه بطن را از سنخ تأویل دانسته‌اند، ولی دسترسی به هر دوی آنها را به نبی‌اکرم (ص) و ائمه اطهار (عهم) منحصر می‌کنند. آنها عقیده دارند که معانی باطنی قرآن، فراتر از دلالت عقلایی الفاظ بر معانی است و فهم آن، راز و رمزی خارج از قواعد ادبی و اصول عقلایی محاوره دارد (بابایی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۴).

۲-۵. تباین

گروهی از اهل نظر، «تأویل» را امری به تمامه جدا از «باطن» می‌دانند؛ چه در نظر اینان، تأویل ناظر به مصادیق خارجی آیات است و از سنخ مفاهیم نیست (ابن تیمیه،

بی‌تا، صص ۱۰-۱۸؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، صص ۱۷۲-۱۹۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، صص ۴۲-۵۴).

اما قائلان مربوطه از حیث باور یا عدم باور به بطون قرآنی، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. ابن تیمیه و پیروان وی، نظر مثبتی در مورد نظریهٔ بطون قرآنی ندارند و اساساً چیزی به نام «بطن» برای قرآن قائل نیستند. پایه‌گذار تفکر وهابیت، مرسل بودن روایات اهل سنت دربارهٔ بطون قرآنی را، دلیل ضعف بدین باور می‌داند. او در ذیل حدیثی نبوی ناظر به بطون قرآن می‌نویسد: «حدیث یاد شده از روایات مجعول است که هیچ یک از اندیشوران آن را روایت نکرده و در جوامع روایی نیز نیامده است. تنها روایت در این باره مرسلهٔ حسن بصری است که در آن آمده: برای هر آیه از قرآن ظهر و بطن و حد و مطلع وجود دارد. متأسفانه در میان مردم نیز، اصطلاح علم ظاهر و علم باطن و اهل ظاهر و اهل باطن شایع شده و حق و باطل به هم آمیخته‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق، ص ۳۹).

اما از منظر علامهٔ طباطبایی - چنانکه پیش‌تر بیان شد - مراد از تأویل آیات، مفهومی نیست که آیه بر آن دلالت دارد، چه آن مفهوم مطابق ظاهر آیه باشد و چه مخالف آن، بلکه تأویل از سنخ حقایق عینی است؛ البته نه هر امر خارجی تا توهم شود که مصداق محسوس هر آیه، تأویل آن نیز است، بلکه امر خارجی مخصوصی که نسبت آن به کلام نسبت ممثّل به مثل و نسبت باطن به ظاهر است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، صص ۴۶-۴۷). به دیگر بیان، «باطن» عبارت از معانی و مفاهیمی است که ماورای ظاهر و در عین حال، مدلول الفاظ است؛ ولی تأویل از سنخ معانی و مفاهیم نیست و شبکه الفاظ به تأویل راهی ندارد (همان، ص ۴۹).

علامه در باب تفکیک این دو مقوله نیز، اساساً شرایط درک هر یک از آنها را متفاوت دانسته است؛ بدین ترتیب که به جز خداوند، آگاهی از تأویلات قرآنی، تنها برای «مطهرون» و به طور دقیق‌تر، چهارده نور پاک میسر است، اما فهم معانی باطنی قرآن، به میزان هوش و ذکاوت افراد بستگی دارد. او در این باره می‌گوید: رسوخ در علم که از آثار طهارت و تقوای نفس است، ربط و تأثیری در تیزفهمی و کندفهمی در مسایل عالیه و معارف دقیقه ندارد، گرچه در فهم معارف طاهرة الهیه مؤثر است، اما نقش علیتی ندارد (همان، ص ۴۸).

بنابراین باید اذعان داشت که در این دیدگاه، «بطن» از سنخ تفسیر و قابل دسترس در مراتب مختلف تلقی شده است؛ ولی «تأویل» از سنخ حقایق عینی معقول و مختص به ائمه اطهار (عهم) دانسته شده است.

۳-۵. عام و خاص

با توجه به تعاریف برگزیده از بطن و تأویل در این مقاله که، بطن: معانی و مصادیق پنهان آیات که فراتر از مدلول ظاهری و لفظی آیات و در طول آن می‌باشد و تأویل: رجوع از معنای ظاهری لفظ و روی آوردن به معانی یا مصادیق پنهانی و فراظاهری آیات با توجه به قرینه نقلی یا عقلی یا هردو، که مراد و مقصود خداوند از آیات است، می‌توان اذعان کرد که تأویل همان فرایند کشف و فهم لایه‌های معانی و معارف باطنی آیات است و به عبارتی تأویل یعنی به دست آوردن بطن و تأویل حق، همان دستیابی به بطن واقعی قرآن می‌باشد.

با توجه به آیات و روایات می‌توان گفت که تأویل در سه عرصه به کار رفته است: یکی تأویل همه آیات، دیگری تأویل متشابهات و سومی تأویل بطون. نظیر

روایتی از امیرالمؤمنین(ع) که، تأویل به کل قرآن و هر حرف آن نسبت داده شده است: عن أبي عبد الرحمن السلمی، ان علیاً(ع) مر علی قاضی فقال: هل تعرف النّاسخ والمنسوخ؟ فقال لا، فقال هلکت و اهلکت، تأویل کل حرف من القرآن علی وجوه. (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲) در این روایت تأویل به کل قرآن و هر حرف آن نسبت داده شده است.

در روایات فراوانی از فریقین ذو بطونی از خصائص قرآن و الفاظ ظاهری قرآن است (رک؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۷-۴۴ و سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۸-۶). سؤال فضیل بن یسار - از اصحاب اجماع - دربارهٔ مراد از تعبیر «مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» که خود دلالت بر شیوع این تفکر و فراگیری بطن به تک تک آیات دارد، با این پاسخ امام باقر علیه السلام، رو به رو می شود که «بطن قرآن تأویل آن است که برخی از آن گذشته و برخی از آن هنوز تحقق نیافته است» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۰۳؛ ح ۲). پس باطن قرآن آن معنایی است که برای تمام حروف و آیات آن متصور است. که با توجه به روایت فضیل می تواند به این معنا باشد که تأویل قرآن، یعنی شناخت ژرفای بطون آن و به عبارت دیگر، رویه و فن ویژه فهم لایه یا لایه های خاصی از معارف قرآنی است.

برخی از روایات در مورد راهیابی به باطن آیات است یعنی آیه محکم است و از نوع رخداد و حادثه نیز نمی باشد در عین حال باطنی در آیه می باشد که روایت ناظر به آن است. نظیر آیه شریفه که می فرماید: «مَنْ أَحْيَا نَفْسًا فَإِنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲) امام می فرماید اگر کسی را از نابودی و غرق شدن یا سوزاندن نجات دهد، معنایش این است که همه مردم را نجات داده است، بعد سائل می پرسد که اگر

او را از ضلالت به هدایت ببرد چه؟ امام فرمود: ذلک من تأویله الاعظم. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۶۸، ح ۲). با این تعبیر، می‌توان گفت: تأویل یعنی رسیدن به ژرفای معانی آیات و هدف‌های اصلی هدایتی آن.

همچنین به قرآن که مراجعه می‌کنیم در می‌یابیم که در آیه هفتم سوره آل‌عمران، تأویل را درباره متشابهات به کار برده است که همان رسیدن به حقیقت مدلول و مراد واقعی خداوند در آیات متشابه است و آیات متشابه هم تمام آیات قرآن را شامل نمی‌شود بلکه آیات خاصی را در بر می‌گیرد.

بنابراین تأویل هم به کل قرآن نسبت داده شده و هم برای شناخت حقیقت و مراد اصلی آیات متشابه به کار رفته و هم راهیاب به باطن و شناخت ژرفای قرآن می‌باشد که در نتیجه می‌توان گفت نسبت و رابطه منطقی بین «تأویل» و «بطن» عموم و خصوص مطلق است یعنی تأویل عام است و بطن خاص.

آقای مسعودی در مقاله «رابطه تأویل، تفسیر و بطن از دیدگاه آیه الله معرفت» در زمینه نسبت میان بطن و تأویل می‌نویسد: با توجه به دیدگاهی که تأویل کلام را مقصود واقعی متکلم از کلام دانست، می‌توان گفت گاهی مراد و مقصود متکلم، چندان مخفی نیست و آن زمانی است که تأویل آیه در تنزیلش واقع شده است. از قضا در برخی احادیث اهل بیت (ع) بدین نکته تصریح شده؛ از جمله، امام صادق (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «آیات محکم قرآن، آیاتی است که تأویل آنها در تنزیلشان آمده است، مانند قول خداوند متعال در آیه «یا ایها الذین آمنوا إذا قُمتُمُ إلى الصَّلاة فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَايْدِیکُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُؤُوسِکُمْ وَارْجُلَکُمْ إِلَى الْكَعْبَینِ» (مائده: ۶). این آیه از محکّمات است که تأویل آن در تنزیلش قرار دارد و به تأویلی بیش از آنچه در تنزیلش آمده، نیاز ندارد...» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۹۹).

همچنین در مواردی، مراد و مقصود متکلم از کلام - همه یا بخشی از آن - مخفی و پنهان است، یعنی ظاهر آیه بر آن دلالت ندارد و آن زمانی است که تأویل آیه در تنزیلش نباشد. این مراد مخفی متکلم و به عبارتی، مراد مخفی خداوند از آیات، بطن قرآن نامیده می‌شود؛ بنابراین اگر تأویل، مراد و مقصود خداوند در آیات باشد هم می‌تواند مخفی باشد و هم ظاهر؛ ولی بطن تنها مراد و مقصود مخفی خداوند در آیات است. با این توصیف می‌توان گفت: رابطه منطقی تأویل و بطن، عموم و خصوص مطلق است، یعنی تأویل عام و بطن خاص محسوب می‌شود (مسعودی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۲)

همچنین با توجه به تعریف دیگری که تأویل را به معنای جری و تطبیق و به عبارتی، تأویل مصداقی عنوان کرد؛ به نظر می‌رسد آن دسته از روایات جری که مربوط به باطن قرآن و تأویل آن است، ناظر به مصادیق فراتر از معنا و مفهوم ظاهری آیات مربوط می‌شود. اگر این موارد، با اخذ قواعد کلی از آیات، از طریق قوانینی همچون الغای خصوصیت و تنقیح مناط و یا قواعد سبر و تقسیم و یا نص معصوم (ع) محقق شده باشند، جری و تطبیق حاصل، امری باطنی محسوب می‌شود؛ اما اگر مصداق مورد جری دارای ملاکی آشکار و ظاهر باشد، در ذیل ظاهر آیه می‌گنجد و دیگر نمی‌توان آن را جزء باطن آیه به شمار آورد.

با لحاظ این نگاه باید اذعان داشت که موارد جری و تطبیق اعم از مصادیق ظاهر و باطن آیات است و رابطه جری با مصداق باطنی آیه، رابطه عموم و خصوص مطلق است، یعنی جری، «عام» است و مصداق باطنی، «خاص»؛ چون جری هم شامل مصداق ظاهری آیه می‌شود و هم مشتمل بر مصداق باطنی آن است؛ بنابراین «تأویل» نیز عام و «باطن» خاص است؛ زیرا تأویل در این دیدگاه، همان ارجاع

محکم به متشابه، ارجاع مصداق جدید به قدیم و ارجاع باطن به ظاهر آیه است که در تفسیر و تنزیل (زمان نزول) و تطبیق (بعد از زمان نزول) و بطن وجود دارد و شامل همه آنها می‌شود.

نتیجه‌گیری

با لحاظ معانی اصطلاحی مفاهیم «بطن» و «تأویل» و نسبت‌سنجی میان آن دو، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

الف. «بطن» در لغت به هر امر مخفی اطلاق می‌شود و مراد از باطن در خصوص آیات قرآن، معانی و مصداق پنهان آیات است که فراتر از مدلول ظاهری و لفظی آیات و در طول آن می‌باشند. این تعریف هم به معنای لغوی بطن نزدیک‌تر است و هم تمام لوازم و ملزومات الفاظ را در بر می‌گیرد؛ از سویی با بیشتر دیدگاه‌ها قابل جمع است، زیرا به مقتضای آن، بخشی از معانی باطنی قرآن، با فهم و تدبر قابل دست‌یابی است و بخشی دیگر به قدری عمیق و ژرف بوده که فهم آنها مختص به معصومین (عهم) است.

ب. «تأویل» همان رجوع از معنای ظاهری لفظ و روی آوردن به معنا یا معانی پنهانی و مصداق فراظاهری آیات، با توجه به قرینه نقلی یا عقلی یا هردو است. تأویلات قرآنی، بیانگر مراد و مقصود خداوند از آیات است و در مراتب برتر و بالاتر می‌تواند ناظر به حقایق متعالی محفوظ در امّ‌الکتاب باشد.

ج. با توجه به معانی مختلف «بطن» و «تأویل»، نسبت‌سنجی و بیان رابطه منطقی بین آن دو، بستگی به تلقی پیشین اندیشمندان از آن دو مفهوم دارد. ولی با توجه به معنای برگزیده در این مقاله از تعریف بطن و تأویل، می‌توان اذعان کرد که تأویل همان فرایند کشف و فهم لایه‌های معانی و معارف باطنی آیات است و به

عبارتی تأویل یعنی به دست آوردن بطن و تأویل حق، همان دستیابی به بطن واقعی قرآن می‌باشد؛ و همچنین با توجه به آیات و روایات، تأویل هم به کل قرآن نسبت داده شده و هم برای شناخت حقیقت و مراد اصلی آیات متشابه به کار رفته و هم راهیاب به باطن و شناخت ژرفای قرآن می‌باشد که در نتیجه می‌توان گفت نسبت و رابطه منطقی بین «تأویل» و «بطن» عموم و خصوص مطلق است یعنی تأویل عام به شمار می‌آید و بطن خاص.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، به تصحیح محمود محمد طنّاحی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم
۳. ابن تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم (بی‌تا)، *الاکلیل فی المتشابه و التأویل*، اسکندریه: دار الایمان
۴. _____ (۱۴۰۸ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار الکتب
۵. ابن عربی، ابوبکر محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *تفسیر ابن عربی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، به تصحیح جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دار صادر، چاپ سوم
۷. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۲ق)، *تهذیب اللغه*، بیروت: دارالمعرفه
۸. بابایی، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، تهران: سمت
۹. بروجردی، حسین (۱۴۱۲ق)، *الحاشیه علی کفایه الاصول*، قم: انصاریان
۱۰. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۱)، *تفسیر فریقین*، قم: آثار نفیس
۱۱. جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۱۱ق)، *التعریفات*، بیروت: دارالکتاب

اصطلاح‌شناسی و نسبت‌سنجی «بطن» و «تأویل» در حوزه تفسیر با تأکید بر آراء ... ۲۲۳

۱۲. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۹ق)، محاضرات فی اصول الفقه، به تقریر محمد اسحاق

الفیاض، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

۱۳. ذهبی، محمدحسین (۱۴۱۸ق)، التفسیر و المفسرون، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم

الاسلامیه، چاپ دوم

۱۴. رضا، رشید (۱۴۱۴ق)، تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه

۱۵. راغب اصفهانی، حسین محمد (۱۴۱۲ق)، معجم مفردات الفاظ، بیروت: دارالعلم

۱۶. زبیدی، محمد مرتضی (بی تا)، تاج العروس، بیروت: منشورات مکتبه الحیاه

۱۷. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: داراحیاء الکتب العربی

۱۸. سبحانی، جعفر (بی تا)، الایمان و الکفر فی الکتب و السنه، بی جا، بی نا

۱۹. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۷ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه

۲۰. — (۱۳۶۵ق)، درالمنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دارالمعرفه

۲۱. — (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغیر، بیروت: دارالفکر

۲۲. شاطبی، اسحاق (۱۴۲۳ق)، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت: المکتبه العصریه

۲۳. شاکر، محمد کاظم (۱۳۷۶)، روش‌های تأویل قرآن، قم: بوستان کتاب

۲۴. شاکر، محمد کاظم و بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱)، باطن و تأویل قرآن، قم: مرکز مطالعات

و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه

۲۵. صدوق، محمد بن علی (۱۳۱۶)، معانی الاخبار، قم: اسلامی

۲۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی

للمطبوعات، چاپ سوم

۲۷. طباطبایی، سیدحیدر (۱۳۸۷)، پژوهشی تطبیقی در بطن قرآن، قم: پژوهش‌های

تفسیر و علوم قرآن

۲۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، جامع البیان عن تأویل آیات القرآن، بیروت: دارالفکر

۲۹. طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الاعلام الاسلامی

۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، تفسیر العیاشی، طهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، العین، قم: اسوه
۳۲. فیض کاشانی، محسن (۱۳۷۹)، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، مکتبه الصدر
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول الکافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة
۳۴. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرساله
۳۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم
۳۶. مسعودی، محمد مهدی (۱۳۸۶)، «رابطه تأویل، تفسیر و بطن از دیدگاه آیه الله معرفت»، فصلنامه تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۶
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۳۸. معرفت، محمد هادی (۱۴۲۵ق)، التفسیر الاثری الجامع، قم: مؤسسه التمهید
۳۹. — (۱۴۱۰ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ سوم
۴۰. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۲ق)، التذکره بأصول الفقه، بیروت: دارالکتب، چاپ دوم
۴۱. نهاوندی، محمد بن عبدالرحمن (۱۳۷۵ق)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، بی جا، بی نا